

لئواشتر اوس  
جوزف کراپسی

توسیدیدس  
افلاطون  
کسنوفون  
ارسطو  
کیکرو  
آگوستین  
فارابی  
ابن میمون  
آکویناس  
مارسیلیوس

تاریخ

فلسفه

جلد اول: قدما

دکتر

ویراستاران فارسی  
یاشار جیرانی  
شروین مقیمی

سیدی

- ۷۱ مقدمه ویراستاران
- ۱۱۱ یادداشتی در باب ترجمه
- ۱۵۱ مقدمه  
لنواشتراس و جوزف کراپسی / یاشار جیرانی و شروین مقیمی
- ۲۵۱ توسیدیدس  
دیوید بلوتین / شیما شصتی
- ۷۱ افلاطون  
لنواشتراس / علی رزاقی
- ۱۶۳۱ کسنوفون  
کریستوفر برنل / یاشار جیرانی
- ۲۰۹۱ ارسطو  
کارنس لرد / محمد علی معمارزاده
- ۲۷۱۱ مارکوس تولیوس کیکرو  
جیمز ای. هولتون / شروین مقیمی
- ۳۰۵۱ سنت آگوستین  
ارنست ال. فورتین / سیدکیارش شیخ الاسلام
- ۳۵۷۱ ابونصر فارابی  
محسن مهدی / احمد بستانی
- ۳۹۱۱ موسی بن میمون  
رالف لرنر / علی رزاقی
- ۴۲۱۱ سنت تامس آکوئیناس  
ارنست ال. فورتین / شروین مقیمی
- ۴۶۹۱ مارسلیوس پادوایی  
لنواشتراس / یاشار جیرانی

## توسیدیدس (۴۶۰ تا ۴۰۰ ق.م)

دیوید بلوتین

ترجمه شیماشستی

توسیدیدس نویسنده یک کتاب واحد است، جنگ پلویزنی‌ها و آتنی‌ها. [۱] او را به دلایل آشکار و وزین، به طور کلی به عنوان یک فیلسوف سیاسی در نظر نمی‌گیرند. نه تنها او هرگز اصطلاح «فلسفه سیاسی» را به کار نمی‌برد، بلکه دست‌کم به شکلی آشکار، به پرسش‌های عام آن نیز التفات ندارد. اگرچه او به ما از آن چیزی می‌گوید که آن را به عنوان بهترین رژیم آتنی در زمان حیات خویش مورد ملاحظه قرار می‌دهد، او هرگز از بهترین رژیم سخنی نمی‌گوید؛ و اگرچه انسان‌های متعددی را به سبب مزیتشان<sup>۱</sup> می‌ستاید، اما هرگز در باب بهترین یا عالی‌ترین<sup>۲</sup> شیوه زندگی به معنای دقیق کلمه، سخنی

---

1 excellence

2 most excellent

نمی‌گوید. [۲] به علاوه او نتایج «جست‌وجویش برای حقیقت» (I) ۲۰,۳ را به‌مثابه شرحی از یک رویداد سیاسی واحد، یعنی یک جنگ بیست‌وهفت‌ساله عرضه می‌کند که طی آن اسپارتی‌ها و متحدانشان، امپراطوری آتن را ساقط کردند. به همین دلایل، فرد تمایل پیدا می‌کند تا او را در ذیل مورخان طبقه‌بندی نماید. با این حال توسیدیدس برخلاف سلف خود، هرودوتوس، هرگز واژه «تاریخ» را به کار نمی‌برد. و در واقع بن‌مایه [اثر] او نیز به یک جنگ واحد خاص محدود نمی‌گردد. او مدعی است که مطالعه [اثر] او در باب این جنگ برای کسانی سودمند خواهد بود که در پی وضوح‌اند، نه فقط وضوح در باب جنگ، بلکه به‌نحوی کلی‌تر، وضوح در باب گذشته، و حتی در باب آینده، آینده‌ای که در نظر او دوبرتبه با گذشته‌ای که او بر آن پرتوافکنده است، مشابهت دارد. از قرار معلوم او شهادت آن را دارد که اثر خود را «مایملکی<sup>۱</sup> برای همهٔ زمان‌ها» بخواند (I. 22.4). بنابراین از آنجا که او به بن‌مایه [اثر] خود به‌عنوان رویدادی خاص می‌نگرد که حقیقت فراگیر و همیشگی را، دست‌کم در بارهٔ امور انسانی آشکار می‌کند، تمرکز او بر آن رویداد واحد به ما اجازه نمی‌دهد که او را صرفاً به‌مثابه مورخ در نظر آوریم. با این حال هنوز دشوار است به انسانی بیندیشیم که در مورد امور عام بسیار کم می‌گوید، [یعنی] کسی که در واقع حتی به‌سختی به‌میزان ادعای خودش، دربارهٔ اهمیت عام اثر خویش، همچون یک فیلسوف یا یک فیلسوف سیاسی بحث می‌کند. بنابراین شاید بهتر این باشد که به‌جای تلاش برای طبقه‌بندی تفکر او، برگردیم و به برجسته‌ترین وجوه کتاب او نگاهی نزدیک‌تر بیندازیم. نخستین جملهٔ توسیدیدس به ما می‌گوید که او نوشتن دربارهٔ جنگ پلوپونزی را از ابتدایش آغاز کرد، زیرا او انتظار داشت که این جنگ، بزرگ‌ترین و چشمگیرترین جنگی باشد که تا به حال بوده است. او



اضافه می‌کند که خود این جنگ «بزرگ‌ترین حرکت»، یا تغییری بوده است که دست‌کم تا آن زمان میان یونانیان رخ داده بوده است. او برای دفاع از مدعای خویش آن هم‌وردانی را که در اوج ثروت و قدرت بودند و نیز جنگی را مورد ملاحظه قرار داد که از حیث مصائبی که به بار آورد، بی‌همتا بود (2-23.1، 1-2، I.1.1). اما توسیدیدس برای آنکه ما را در مورد اهمیت یا بزرگی این جنگ متقاعد کند، خود را به این استدلال‌های مقدماتی محدود نمی‌کند. گیرایی بی‌واسطه‌تر، تأثیر این کتاب به مثابه یک کُل است، اثری که روایت بی‌پیرایه اما شفاف آن ما را به شاهدان اعمال و مصائبی که گزارش می‌کند بدل می‌نماید. ما بزرگی جنگ را احساس می‌کنیم چون حضور آن را احساس می‌کنیم. این احساس باز هم از رهگذر منظورکردن سخنرانی‌های سیاسی<sup>۱</sup> از سوی توسیدیدس، که به صورت نقل قول مستقیم از خود مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود، بیشتر اوج می‌گیرد. به نظر می‌رسد که ما صدای آن سخنگویان را می‌شنویم، وقتی به نام عدالت استدلال می‌کنند، یا خدایان را فرا می‌خوانند؛ وقتی به عشق آزادی یا شکوه<sup>۲</sup> امپراطوری متوسل می‌شوند؛ و وقتی که در خصوص نتایج دهشتبار اتخاذ سیاست‌های نادرست هشدار می‌دهند. در واقع گویی این سخنرانی‌ها جنگ را به حضور ما می‌آورد. اما از این هم مهم‌تر این است که روی سخن آنها با دغدغه‌های اخلاقی و سیاسی خود ماست، و ما را فرا می‌خوانند تا به جنگ پاسخ بگوییم، همان‌گونه که خود هم‌وردان در پرتو [دغدغه‌های اخلاقی و سیاسی]شان به آن پاسخ گفتند. نظم این روایت توأمان و انتخاب تأکیداتش نیز برای تثبیت جستن به همین دغدغه‌ها طراحی شده است. و ابتدائاً بدین روش، یعنی پروراندن دغدغه‌های اخلاقی و سیاسی خود ماست که

1 political speeches

2 glory